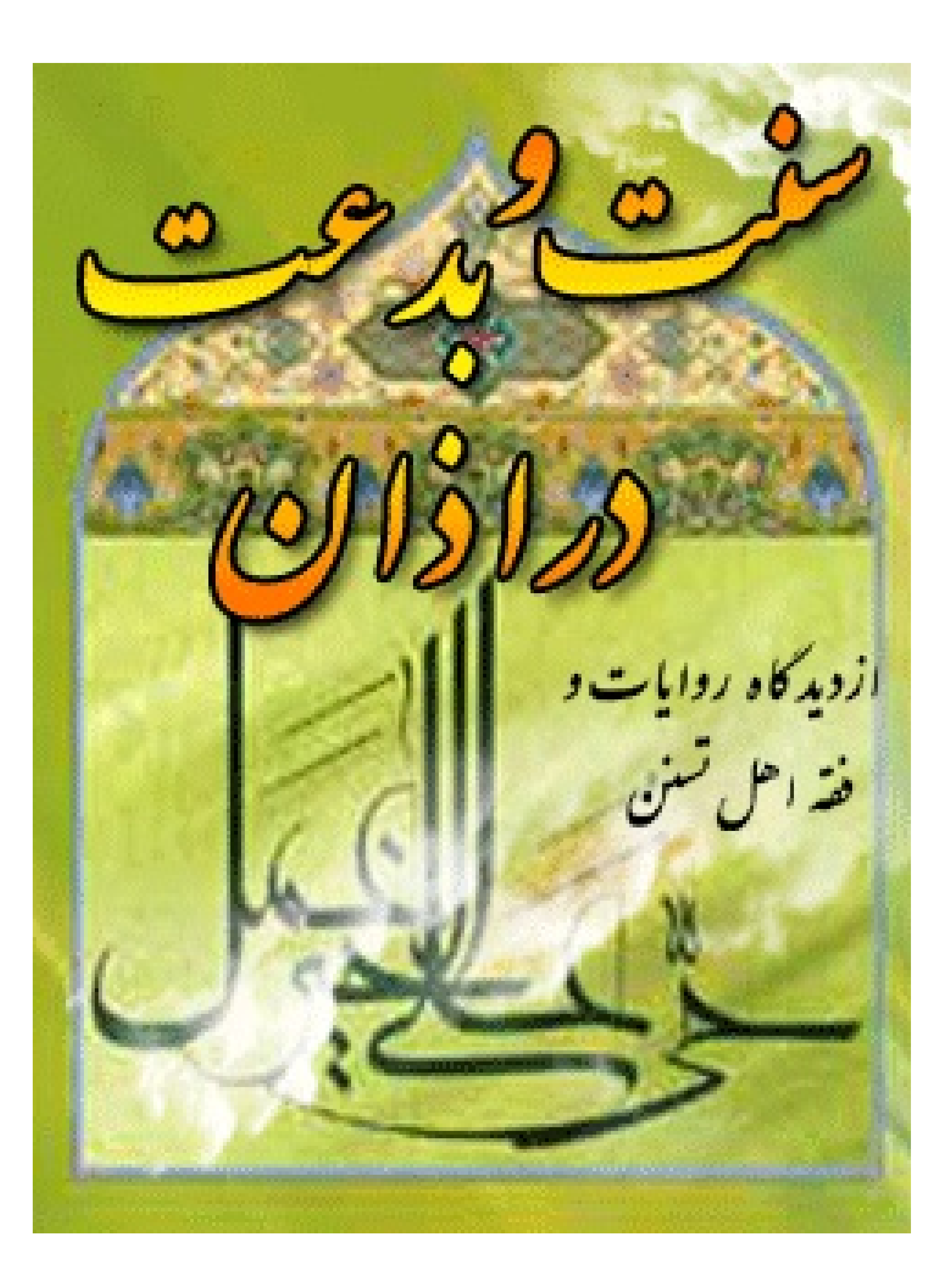

سنت و بدعت
در اذان
از دیدگاه روایات و
فقه اهل تسنن


بسم الله الرحمن الرحیم

سنت وبدعت در اذان از دیدگاه روایات و فقه اهل تسنن

نویسنده:

محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سنت وبدعت در اذان از دیدگاه روایات وفقه اهل تسنن

مشخصات کتاب

نویسنده :سید محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

قسمت اول

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وصحبه المنتجبین اذان اذان در لغت به معنی اعلام است ، خداوند متعال می فرماید : وأذان من الله و رسوله (۱) وشرعا اسم برای الفاظ مخصوص معهود می باشد . وما در این رساله چند موضوع را درباره اذان ، به اختصار بر اساس مدارک اهل سنت بیان می کنیم ; به امید آنکه آنان را که به سخن احسن گوش فرا می دهند وتابع دلیلند ونه فرزند تقلید ، مفید افتد ، وبرخی شبهات که ناشی از عدم توجه کافی به منابع احادیث وروایات است به حول وقوه الهی زایل شود ، وموجب انسجام واتحاد بیشتر مسلمانان گردد . وکمترین فائده این رساله آن است که برادران اهل تسنن پی می برند که آنچه را برادران شیعه آنان در مورد اذان می گویند روایات زیادی از طریق اهل تسنن آن را تأیید می کند وبزرگانی از فقها وروات اهل سنت به آن اعتراف دارند .

پاورقی

۱ - سوره توبه ، آیه ۳ .

صفحه ۳

آغاز تشریع اذان فقهاء امامیه به تبع اهل بیت (علیهم السلام) همگی معتقدند که اذان به تشریع خداوند وبا نزول وحی بر قلب مبارک رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) شروع شده است ، ودر این مورد روایات متعددی از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱ - کلینی در کافی چنین روایت می کند : علی بن ابراهیم

عن أبيه عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه عن زراره او الفضیل عن أبی جعفر (علیه السلام) : قال : لما أسری برسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) الی السماء فبلغ البیت المعمور و حضرت الصلاه فأذن جبرئیل وأقام فتقدم رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) وصف الملائکه و النبیون خلف محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) (۱) ونیز : علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن حماد عن منصور بن حازم عن ابی عبد الله قال : لما هبط جبرئیل (علیه السلام) بالاذان علی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) کان رأسه فی حجر علی (علیه السلام) فأذن جبرئیل (علیه السلام) وأقام فلما إنتبه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قال : یا علی سمعت ؟ قال : نعم قال : حفظت ؟ قال : نعم قال : أدع بلالا فعلمه فدعا علی (علیه السلام) بلالا فعلمه . (۲) البته این دو روایت ناظر به دو مرتبه از اذان گفتن جبرئیل می باشد : که یکی در عالم معراج ودیگری برای تشریع وابلاغ آن ; ودارای مرتبه بودن وبلکه حتی دو مرتبه نازل شدن وحی امری شناخته شده است . اما در میان اهل تسنن - به طور کلی صرفنظر از خصوصیات - می توان گفت دو رأی موجود است : ۱ - مبدأ اذان وحی است .

پاورقی

۱ - باب بدء الاذان والاقامه وفضلها وثوابهما ح ۱ و ۲ .

۲ -

باب بدء الاذان والاقامه وفضلها وثوابهما ح ۱ و ۲

صفحه ۴

۲ - مبدأ اذان رؤیا است . در المبسوط سرخسی آمده است (۱) : ابوحفص محمد بن علی منکر بود که مبدأ اذان رؤیا باشد ومی گفت : شما یکی از معالم ونشانه های دین را هدف قرار داده اید ومی گویید با رؤیا ثابت شده است . هرگز ! ولکن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وقتی به مسجد الاقصی برده شد وپیامبران را گرد او جمع کردند فرشته ای اذان واقامه گفت وپیامبر با آنان نماز گزارد . وگفته شده است : جبرئیل علیه الصلاه والسلام اذان را فرو آورد . در عمده القاری شرح صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۰۷ می گوید : زمخشری از بعضی نقل نموده است که اذان به وحی بوده است ، نه رؤیا . در البحرالرائق ج ۱ ، ص ۲۶۸ می گوید : وسببه (ای الاذان) الابتدائی اذان جبرئیل (علیه السلام) لیله الاسراء واقامته حسین صلی النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) اماما بالملائکه وارواح الانبیاء ثم رؤیا عبد الله بن زید . روایات متعدده ای که بزرگان اهل سنت نقل نموده اند این معنی را که مبدأ اذان وحی بوده است نه رؤیا ، تأیید می کند ، از آن جمله : ۱ - عن ابن عمر قال : لما أسری بالنبی صلی الله علیه وآله وسلم أوحی الله إلیه الاذان فنزل به فعلمه بلالا . (۲) چنانکه ملاحظه می کنید این روایت مبدأ اذان را وحی ودر لیله الاسراء می داند و

هیچ ربطی به قضیه رؤیا ندارد زیرا قضیه رؤیا را آنان که نقل می کنند مربوط به مدینه می دانند ومدتها پس از هجرت واستحکام امر اسلام وتشریع نماز وروزه وزکات واقامه حدود وخلاصه تحقق حلال وحرام (۳) ; در حالی که اسراء قبل از هجرت واز مسجد

پاورقی

۱ - ج ۱ ، ص ۱۲۸ .

۲ - فتح الباری ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ ، ط ۱۴۱۰ ، دارالکتب العلمیه . وقریب به همین را متقی هندی از طبرانی از ابن عمر نقل می کند . کنزالعمال ، ج ۸ ، ص ۳۲۹ ، ش ۲۳۱۳۸ .

۳ - سیره ابن هشام ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

الحرام واقع شده بود . واین روایت ونظائر آن دلالت می کند اذان سالها قبل از هجرت تشریع شده بوده است ; چنانکه ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری ، و حلبی در سیره خود (۱) ، اعتراف به چنین دلالتی می کنند ومی گویند : احادیثی وارد شده است دال بر آن که : اذان در مکه قبل از هجرت تشریع شده بود . فقط تنها ایرادی که ابن حجر نسبت به روایت مذکور اظهار می کند : وقوع طلحه بن زید در سند حدیث است که درباره او می گوید : وهو متروك ولی اگر کسی دقت در احادیث رؤیا بکند می بیند - کما اینکه بررسی آن خواهد آمد - در اسانید آنها کسانی واقع شده اند که اگر طلحه بن زید بر آنها راجح نباشد دست کم تفاوتی با آنها ندارد واز اینجا است که روشن

می شود دلیلی بر ترجیح روایات رؤیا نیست . ۲ - عن انس : إن جبرئیل أمر النبی (صلی الله علیه وآله) بالاذان حین فرضت الصلاه . (۲) وما می دانیم که نماز از همان ابتدای بعثت تشریع شده بود وپس تشریع اذان ربطی به رؤیا ندارد . ۳ - عن عائشه : لما أسری بی أذن جبرئیل فظنت الملائکه أنه یصلی بهم فقدمنی فصلیت . (۳) للبزاز وغیره من حدیث علی : لما أرادالله أن یعلم رسوله الاذان أتاه جبریل بدابه یقال لها البراق فرکبها . . . و فیه : إذ خرج ملک من وراء الحجاب فقال : ألله أکبر ألله أکبر . وفی آخره : ثم أخذ الملک بیده فأم باهل السماء . (۴) ابن حجر بعد از نقل حدیث می گوید : زیاد بن منذر ابوالجارود در سند واقع شده است ، واو متروک است . اقول : ابوالجارود مورد اختلاف است ولی قطعا ضعیف تر از آنهائی که در احادیث رؤیا واقع شده اند نیست وبنابراین وجهی برای ترجیح روایات رؤیا بر این روایات نمی باشد . ۴ - عن سفیان اللیل قال : لما کان من الحسن بن علی ما کان ، قدمت علیه المدینه قال : فقد ذکروا عنده الاذان فقال بعضنا : إنما کان بدء الاذان برؤیا عبد الله بن زید . فقال له الحسن بن علی : إن شأن الاذان اعظم من ذلک ، أذن جبرئیل فی السماء مثنی وعلم رسول الله وأقام مره مره فعلمه رسول الله . (۱) ۵ - عن هارون بن سعد

عن الشـهيد زيـد بن الامـام على بن الحسـين عن آبـائه عن على : إن رسول الله (صـلى الله عليه وآله) علم الاـذان ليله اسـرى به وفرضت عليه الصـلاه . (۲) ۶ - عن ابى العلاـء قال : قلت لمحمـد بن الحنفيه : إنا لنتحـدث أن بـدء الاذان كان من رؤيا رءاها رجل من الانصار فى منامه . قال : ففزع لذلک محمد بن الحنفيه فزعا شديدا وقال : عمدتم ألى ما هو الاصل فى شـرائع الاسـلام ومعالم دينكم ، فزعمتم أنه كان من رؤيا رآها رجل من الانصار فى منامه يحتمل الصدق والكذب وقد تكون اصغاث احلام قال : فقلت له : هذا الحديث قد استفاض فى الناس : قال : هذا والله الباطل . . . . (۳) ۷ - ويظهر مما رواه عبد الرزاق عن ابن جريج : قال عطاء : إن الاذان كان بوحى من الله سبحانه . (۴)

پاورقى

۱ - سيره حلبى ، ج ۲ ، ص ۲۹۶ ، باب بدء الاذان ومشروعيته به نقل از الاعتصام بالكتاب والسنه .

۲ - فتح البارى ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ .

۳ - فتح البارى ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ .

۴ - فتح البارى ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ .

صفحه ۶

پاورقى

۱ - المستدرک ، ج ۳ ، ص ۱۷۱ ، كتاب معرفه الصحابه .

۲ - اخرجـه الطحـاوى فى مشـكل الاثـار ، وابـن مردويه فيمـا نقله الهنـدى ، ص ۲۷۷ ، مـن الجزء السـادس مـن كنزل العمـال و هوالحديث ۳۹۷ من احاديث الكنز ، به نقل از النص والاجتهاد ، ص ۲۰۵ .

۳ - السيره

الحلبیه ، ج ۲ ، ص ۲۹۷ به نقل از الاعتصام ، ص ۲۹ .

۴ - المصنف ، ج ۱ ، ص ۴۵۶ ، ش ۱۷۷۵ ، به نقل از الاعتصام ، ص ۳۰ .

در مقابل این روایات ، روایاتی نقل شده است که مبدأ تشریع اذان را به رؤیای مردی از انصار به نام عبد الله بن زید نسبت می دهند که ترمذی در باره او می گوید : ولا نعرف له عن النبی (صلی الله علیه وآله) شیئا یصح ألا هذا الحدیث الواحد فی الاذان . همچنین ترمذی از بخاری نقل می کند : لا نعرف له الا حدیث الاذان . (۱) اما این روایات را شیخین در صحیحین نقل نکرده اند وحتی حاکم این روایات را در مستدرک نیز نیاورده است . واین بر ما معلوم می کند که این روایات فاقد شرط شیخین به تمام معنی بوده اند . حاکم می گوید : عبد الله بن زید هو الذی أری الاذان ، الذی تداوله فقهاء الاسلام بالقبول ولم یخرج فی الصحیحین لاختلاف الناقلین فی أسانیده . (۲) واما کتب دیگری که این روایات در آنها نقل شده است ، اسناد همه مورد خدشه قرار گرفته است وما در اینجا یکی از آن روایات را که ادعا شده است صحیحترین آنها می باشد نقل کرده ورجال سند آن را مورد بررسی قرار می دهیم : حدثنا محمد بن منصور الطوسی ، ثنا یعقوب ثنا ابی عن محمد بن اسحاق حدثنی محمد بن ابراهیم بن الحارث التیمی عن محمد بن عبد الله بن زید بن عبد

ربه قال : حدثنی ابی : عبد الله بن زید ، قال :

لما أمر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بالناقوس یعمل لیضرب به للناس لجمع الصلاه طاف ، وأنا نائم ، رجل یحمل ناقوسا فی یده فقلت : یا عبد الله ، أتبیع الناقوس ؟ قال : وما تصنع به ؟ فقلت : ندعو به الی الصلاه قال : أفلا أدلک علی ما هو خیر من ذلک ؟ فقلت (له) : بلی ، قال : فقال تقول :

پاورقی

۱ – تهذیب الکمال : ج ۱۴ ، ص ۵۴۱ .

۲ – المستدرک ، ج ۳ ، ص ۳۳۶ . شرف الدین می گوید : وللحاکم هنا کلمه تفید جزمه ببطلان احادیث الرؤیا وأنها کاضالیل ألاوهی قوله : وأنما ترک الشیخان حدیث عبد الله بن زید فی الاذان والرؤیا لتقدم موت عبد الله . قلت هذا لفظه بعینه . وقال فی ذیل الصفحه : فراجعه فی باب ردالصدقه میراثا ، من کتاب الفرائض ، ص ۳۴۸ من جزئه الرابع ، النص والاجتهاد ، ص ۲۰۲.

الله اکبر ، الله اکبر ، الله اکبر ، الله اکبر ، اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان محمدا رسول الله ، اشهد ان محمدا رسول الله ، حی علی الصلاه ، حی علی الصلاه ، حی علی الفلاح ، حی علی الفلاح ، الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله قال : ثم استأخر عنی غیر بعید ثم قال : وتقول اذا أقمت الصلاه : الله اکبر ، الله اکبر ، اشهد أن لا اله

الا الله ، اشهد أن محمدا رسول الله ، حی علی الصلاه ، حی علی الفلاح ، قدقامت الصلاه ، قد قامت الصلاه ، الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله . فلما أصبحت أتیت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فأخبرته بما رأیت ، فقال : إنها لرؤیا حق إن شاءالله ، فقم مع بلال فالق علیه ما رأیت فلیؤذن به ، فأنه أندی صوتا منک فقمت مع بلال فجعلت ألقیه علیه ویؤذن به . قال : فسمع ذلک عمر بن الخطاب وهو فی بیته فخرج یحرردائه ویقول : والذی بعثک بالحق یا رسول الله لقد رأیت مثل ما رأی . فقال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فلله الحمد . بیهقی به سند خود از محمد بن یحیی نقل می کند که در اخبار عبد الله بن زید در قصه اذان خبری اصح از این روایت یعنی حدیث محمد بن اسحق از محمد بن ابراهیم التیمی از محمد بن عبد الله بن زید نیست ; چون محمد از پدرش شنیده است . اکنون به بررسی سند این روایت می پردازیم وسخن را از محمد بن اسحق شروع می کنم که در این تصحیح ، طریق او نام برده شده است . دارقطنی درباره او می گوید : اختلف الائمه فیه ولیس بحجه أنما یعتبر به . وبه نقل های متعدد تضعیف او از احمد بن حنبل نقل شده است : قال ابو داود وسمعت احمد ذکر محمد بن اسحاق ، فقال : کان رجلا یشتهی الحدیث فیأخذ کتب الناس فیضعها فی کتبه . قال المروزی قال

احمد بن حنبل : كان ابن اسحق يدلس . . . و . . . قدم ابن اسحق بغداد

صفحه ۹

فكان لايبالى عمن يحكى عن الكلبى وغيره . قال حنبل بن اسحاق : سمعت ابا عبد الله يقول : ابن اسحاق ليس بحجه . وقال عبد الله بن احمد : ما رأيت ابى اتقن حديثه قط ، وكان يتتبعه بالعلو والنزول . قيل له يحتج به ؟ قال : لم يكن يحتج به فى السنن . قال ايوب بن اسحاق سامرى : سألت احمد اذا انفرد ابن اسحاق بحديث تقبله ؟ قال : لا والله ، أنى رأيته يحدث عن جماعه بالحديث الواحد ولا يفصل كلام ذا من كلام ذا . وقال الميمونى عن ابن معين : ضعيف . وقال النسائى : ليس بالقوى . (۱) اين در مورد محمد بن اسحق واما محمد بن ابراهيم بن الحارث التيمى كه مروى عنه ابن اسحاق مى باشد نيز مورد خدشه قرار گرفته است : قال العقيلى عن عبد الله بن احمد عن ابيه فى حديثه شئ ، يروى احاديث مناكير او منكره . (۲) وانگهى سند به عبد الله بن زيد مى رسد كه سخن ترمذى وديگران را درباره او شنيدى . اين از نظر رجال سند ، واما از جهات ديگر وهمچنين بررسى روايات ديگر را در اين مورد به كتاب النص والاجتهاد مورد ۲۳ وكتاب الاعتصام بالكتاب والسنه بحث التثويب فى أذان صلاه الفجر وكتاب تذكره الفقهاء ج ۳ ، ص ۳۸ و ۳۹ ارجاع مى دهيم ; و در ادامه به بحث درباره فصول اذان واقامه مى پردازيم .

پاورقى

۱ -

نقلها کلها ابن حجر فی تهذیب التهذیب ج ۹ ، ص ۴۳ و ۴۴ .

۲ - تهذیب التهذیب ، ج ۹ ، ص ۶ .

صفحه ۱۰

فصول اذان واقامه در میان فقهاء اهل تسنن در مورد فصول اذان واقامه اختلاف زیادی است . ابن رشد می گوید : اختلف العلماء فی الاذان علی اربع صفات مشهوره وبعد از برشمردن این چهار روش می گوید : والسبب فی اختلاف کل واحد من هؤلاء الاربع فرق ، اختلاف الاثار فی ذلک و اختلاف اتصال العمل عند کل واحد منهم . ولی مهمترین اختلافی که میان فقهاء اهل تشیع واهل تسنن وجود دارد این است که آیا حی علی خیرالعمل جزء فصول اذان واقامه است یا نه ؟ وهمچنین آیا تثویب در اذان مشروع می باشد یا نه ؟ سخن در حی علی خیرالعمل اما نسبت به حی علی خیرالعمل علاوه بر روایات متعددی که از طریق اهل بیت (علیهم السلام) در مورد آن وارد شده که آن را جزء اذان واقامه می داند ، از طریق اهل تسنن نیز روایاتی وارد شده است وحتی بیهقی در سنن الکبری ، بابی را گشوده است تحت عنوان باب ما روی فی حی علی خیر العمل وما تعدادی از آنها را از السنن الکبری وغیر آن ذکر می کنیم وسپس تصریح برخی از دانشمندان اهل تسنن را درباره صحت آنها خواهیم آورد . ان شاء الله .

۱ - اخبرنا ابو عبد الله الحافظ وابوسعید بن ابی عمرو قالا ثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب ثنا یحیی بن ابی طالب ثنا عبد الوهاب بن عطاء ثنا مالک بن أنس عن نافع

كان ابن عمر يكبر فى النداء ثلاثا ويشهد ثلاثا وكان احيانا اذا قال : حى على الفلاح ، قال على إثرها : حى على خير العمل .

صفحه ۱۱

سند این خبر در موطأ مالک به روایت محمد بن الحسن الشیبانی تعلیق وتحقیق عبد الوهاب عبداللطیف چاپ دوم ص ۵۵ چنین است : أخبرنا مالك أخبرنا نافع عن ابن عمر : أنه . . . . آیا با موازین رایج در میان برادران اهل تسنن چه کسی می تواند در این سند خدشه کند ؟ قال البخاری : اصح الاسانید کلها : مالک عن نافع عن ابن عمر . نقله الحاکم مسندا عن محمد بن اسماعیل البخاری (۱) ونقله ابن حجر فی ترجمه نافع من تهذیب التهذیب .

۲ - اخبرنا ابو عبد الله الحافظ انا ابوبكر بن اسحاق ثنا بشر بن موسى ثنا موسى بن داود ثنا ليث بن سعيد عن نافع قال : كان ابن عمر لا يؤذن فى سفر وكان يقول : حى على الفلاح ، وأحيانا يقول : حى على خير العمل . ورواه محمد بن سيرين عن ابن عمر : أنه كان يقول ذلك فى أذانه . وكذلك رواه نسير بن ذعلوق عن ابن عمر وقال : فى السفر وروى ذلك عن ابى أمامه . ابن حزم در محلی ، ج ۳ ، ص ۱۶۰ می گوید : وقد صح عن ابن عمرو ابی امامه بن سهل بن حنیف : أنهم كانوا يقولون فى اذانهم حى على خيرالعمل . . . فهو عنه ای عن ابن عمر ثابت باصح اسناد .

۳ - اخبرنا محمد بن عبد الله الحافظ انا ابوبكر بن

اسحق ثنا بشر بن موسى ثنا موسى بن داود ثنا حاتم بن اسمعيل عن جعفر بن محمد عن ابيه : إن على بن الحسين كان يقول فى أذانه إذا قال حى على الفلاح قال : حى على خيرالعمل ، ويقول : هو الاذان الاول . (۲)

پاورقی

۱ – معرفه علوم الحدیث ، ص ۵۳ ، وان کان الحاکم نفسه وغیره لم یرتض هذا الکلام . فراجع . ۲ – السنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ .

صفحه ۱۲

قسمت دوم

حلبی نیز در سیره در باب بدء اذان ومشروعیت آن می گوید : ابن عمر (رض) والامام زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) بعد از حی علی الفلاح ، حی علی خیرالعمل می گفتند . (۱)

۴ – عبد الرزاق عن معمر عن یحیی ابن ابی کثیر عن رجل : أن ابن عمر کان اذا قال فی الاذان حی علی الفلاح قال : حی علی العمل ثم یقول : الله اکبر الله اکبر لا ـ اله الا الله . (۲) ومحقق کتاب در ذیل صفحه چنین آورده است : رواه ابن ابی شیبه عن طریق ابن عجلان وعبیدالله عن نافع عن ابن عمر ۱ : ۱۴۵ . روات طریق ابن ابی شیبه همه از نظر علمای اهل تسنن دارای توثیق معتبر می باشند . (۳)

۵ – عن بلال : أنه کان یؤذن للصبح فیقول حی علی خیرالعمل فأمر رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم أن یجعل مکانها الصلاه خیر من النوم ویترک حی علی خیرالعمل . (۴) تنها ایرادی که مجمع

الزوائد بر سند این حدیث وارد کرده است وجود عبد الرحمن بن عمار بن سعد است . ولی با رجوع به کتب رجال ثابت می شود کسی به طور قاطع او را تضعیف نکرده ، ودر مقابل ابن حبان او را در ثقات ذکر نموده است . جالب آن است که با وجود این روایات صحیحه که در معتبرترین کتب اهل تسنن ضبط است ، ابن تیمیه می گوید : حی علی خیرالعمل از زیاده روافض می باشد . (۵) ونووی در المجموع حکم به کراهت آن نموده است . مهمترین اشکالی که برخی در مورد حی علی خیرالعمل نموده اند آن است که فعل ابن عمرو ابی امامه که دو صحابی هستند حجت نیست ، واین اخبار منقطع است . ولی ، اولا : عده ای سنت وقول صحابی را حجت می دانند چنانکه از ابوحنیفه نقل شده است : ما جاء ناعن الصحابه اتبعناهم ، وما جاءنا عن التابعین زاحمناهم ; (۱) ونیز سرخسی در اصول خود می گوید : لا خلاف بین اصحابنا المتقدمین والمتأخرین أن قول الواحد من الصحابه حجه فیما لا مدخل للقیاس فی معرفه الحکم به . (۲) وشبهه ای نیست که قیاس در گفتن حی علی خیر العمل راه ندارد .

پاورقی

۱ - ج ۲ ، ص ۱۱۰ به نقل النص والاجتهاد ، ص ۲۰۷ .

۲ - المصنف ، ج ۱ ، ص ۴۶۰ ، ش ۱۷۸۶ ، ومسلما مراد حی علی خیرالعمل است وگرنه حی علی العمل را کسی احتمال نداده است جزء اذان باشد .

۳ - در احوال هر یک رجوع

شود به تهذیب التهذیب .

۴ - مجمع الزوائد ، ج ۱ ، ص ۳۳۰ .

۵ - به نقل از تعلیق بر وطأ ص ۵۵ ، ش ۹۲ .

وثانیا : در برخی روایات که نقل شد وغیر آن فقره حی علی خیرالعمل به زمان حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) وتقریر آن بزرگوار نسبت داده شده است (۳) نهایت آنکه در آنها آمده است حضرت سپس دستور دادند حی علی خیرالعمل را در نماز صبح تبدیل کنند به الصلاه خیر من النوم واین ذیل ضرر نمی زند ، زیرا این تبدیل چنانکه نص روایت است ،

پاورقی

۱ - اصول السرخسی ، ج ۱ ، ص ۳۱۳ .

۲ - اصول السرخسی ، ج ۲ ، ص ۱۱۰ .

۳ - قوشجی متکلم بزرگ اهل تسنن نیز از قول خود عمر نقل می کند که حی علی خیر العمل در عهد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است . او می گوید عمر در حالی که بالای منبر بود گفت : ثلاث کن علی عهد رسول الله (صلی الله علیه وآله) وأنا أنهی عنهن واحرمهن ، واعاقب علیهن : متعه النساء ومتعه الحج وحی علی خیرالعمل . سپس قوشجی می گوید : أن ذلک مما لا یوجب قدحا فیه فأن مخالفه المجتهد لغیره فی المسائل الاجتهادیه لیس ببدع . شرح تجرید قوشجی ، ص ۴۰۸ . واز ابن عباس نقل شده است . فلسفه آنکه حی علی خیرالعمل را خلیفه ثانی دستور به حذف آن داد برای آن بود که مبادا مردم جهاد را رها کنند وبگویند اگر نماز

بهترین اعمال است - که هر روز چنـدین مرتبه در اذان واقامه در گوش ما بـدان ندا داده می شود - پس چرا آن را ترک کنیم وبه جهـاد روی بیاوریم ، بنابراین برای آنکه مسـلمانان دچار چنین رخوتی نسـبت به جهاد نشونـد خلیفه ثانی نهی کرد از آنکه حی علی خیر العمـل گفته شود وبه جـای آن امر به گفتن الصـلاه خیر من النوم نمود . ولی در واقع این که نمـاز بهترین اعمال است حتی در روایـات مسـتقل که ربطی به اذان هم نـدارد آمـده است ، وشارع به فلسـفه احکام خود آگاه تر است . بیهقی در سنن خـود بـابی را گشـوده است تحت عنوان : بـاب خیر اعمـالکم الصـلاه واز رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم) چنین روایت می کند : قال رسول الله : . . . واعلوا ان خیر اعمالکم الصلاه . . . . السنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۵۷ .

صفحه ۱۴

مربوط به اذان صـبح می باشـد وبنابراین بقیه اذان ها بایـد دارای حی علی خیرالعمل باشـد به نص این روایات . علاوه این ذیل معارض است با روایاتی که تثویب را در اذان نفی می کند ودلالت می کند قول الصلاه خیر من النوم زیاده ای است که بعد از رسـول الله (صـلی الله علیه وآله وسـلم) افزوده شـده است . احتمـال نسـخ نیز منتفی است زیرا اگر منسوخ شـده بوده قطعـا ابن عمرو ابی امـامه و دیگران از آن بـا خبر بودنـد وبـا منسوخ شـدن دیگر معنی نـداشت ابن عمرو ابی امامه وغیر این دو حی علی خیرالعمل را

در اذان خود ذکر کنند . وانگهی کسی ظاهرا این احتمال را ذکر نکرده است . وثالثا : روایات از طریق اهل بیت (علیهم السلام) بیان می کنند که حی علی خیر العمل جزء فصول اصلی اذان است در همه اوقات ; واز طریق وحی بر قلب نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است . (۱) سخن در تثویب مسأله دومی که مورد اختلاف بین فقهاء شیعه وفقهاء سنی می باشد تثویب است ; و بلکه بین خود فقهاء اهل تسنن نیز اختلاف است آنچنان که بیان آن خواهد آمد . اما مقصود از تثویب چیست ؟ قالوا : التثویب من ثاب یثوب : اذا رجع فهو بمعنی الرجوع الی الامر بالمبادره الی الصلاه ، فان المؤذن اذا قال : حی علی الصلاه فقد دعاهم الیها ، فاذا قال : الصلاه خیر من النوم فقد رجع الی کلام معناه المبادره الیها . وعن القاموس أنه فسره بمعان منها : الدعاء الی الصلاه ، وتثنیه الدعاء ، وان یقول فی اذان الفجر الصلاه خیر من النوم مرتین .

پاورقی

۱ - رجوع شود به جامع احادیث الشیعه ، کتاب الصلاه ، باب ۱۷ عدد فصول الاذان والاقامه وکیفیتها وعللها .

وعن المغرب : التثویب القدیم هو قول المؤذن فی أذان الصبح : الصلاه خیر من النوم مرتین والمحدث الصلاه ، الصلاه او قامت ، قامت ومن معانی التی ذکروا للتثویب هو ان یقال بین الاذان والاقامه : حی علی الصلاه مرتین ، حی علی الفلاح مرتین . (۱) به هر حال تثویب به هر معنی باشد

جزء اذان واقامه نیست ، وچیزی است که بعدا به آن اضافه شده است ; ولی چون مشهور در معنی تثویب همان گفتن الصلاه خیر من النوم می باشد بحث خود را عمدتا بر روی آن متمرکز می کنیم . ابن رشد در بدایه المجتهد درباره خلافی بودن مسأله اینچنین می گوید : اختلفوا فی قول المؤذن فی صلاه الصبح الصلاه خیر من النوم هل یقال فیها ام لا ؟ فذهب الجمهور الی أنه یقال ذلک فیها . وقال آخرون : أنه لا یقال لانه لیس من الاذان المسنون ، وبه قال الشافعی . وسبب اختلافهم هل قیل ذلک فی زمان النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؟ او انما قیل فی زمان عمر ؟ (۲) ودر مهذب می گوید : وان کان فی اذان الصبح زاد فیه التثویب وهو ان یقول بعد الحیعله الصلاه خیر من النوم مرتین وکره ذلک فی الجدید . (۳) ودر المجموع می گوید : ولم یقل ابوحنیفه بالتثویب علی هذا الوجه . (۴) ودر شرح کبیر می گوید : به ای التثویب المشهور قال ابن عمر والحسن ومالک والثوری واسحاق و الشافعی فی الصحیح عنه ، وقال ابوحنیفه : التثویب بین الاذان والاقامه فی الفجر ان یقول

پاورقی

۱ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ ، المغنی ج ۱ ، ص ۴۲۰ ، الشرح الکبیر ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ .

۲ - بدایه المجتهد ، ج ۱ ، ص ۱۰۶ .

۳ - المجوع ، ج ۳ ، ص ۹۹ .

۴ - المجموع ، ج ۳ ، ص ۱۰۲ .

حی علی

الصلاه مرتين حی علی الفلاح مرتين . (۱) وقريب به اين در المغنی آمده است . (۲) ودر هر دو كتاب به نفع تثويب به حديث ابومحذوره استدلال می شود ، كه در آن آمده است : فان كان صلاه الصبح قلت : الصلاه خير من النوم ، الصلاه خير من النوم الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله . هم چنين در اينجا به اين نكته بايد توجه شود كه بعضی تصريح كرده اند تثويب امری خارج از اذان است . سرخسی بعد از نقل روايتی در المبسوط می گويد : فهذا دليل علی أن التثويب بعد الاذان . (۳) وبعد از چند سطر در شرح فاحدث الناس هذا التثويب می گويد : اشاره الی تثويب اهل الكوفه فأنهم الحقوا الصلاه خير من النوم بالاذان ، وجعلوا التثويب بين الاذان و الاقامه ، حی علی الصلاه مرتين ، حی علی الفلاح مرتين . (۴) بعد از روشن شدن اختلاف های فقهاء اهل تسنن در تثويب می گوئيم : حق آن است كه تثويب حتی الصلاه خير من النوم جزء اذان نيست وذكر آن نيز بين اذان واقامه استحبابی ندارد ووحی درباره آن نازل نشده ورسول اكرم (صلی الله عليه وآله وسلم) بدان دستور نداده است بلكه امری است كه بعد از حضرت رسول (صلی الله عليه وآله وسلم) به سليقه بعضی از اصحاب وارد در اذان شده است وبر اين مطلب شواهد معتبر موجود است :

۱ - امام مالك در موطأ می گويد : بلغنا أن عمر بن الخطاب جاءه المؤذن

یؤذنه بصلاه الصبح ، فوجده نائما فقال

پاورقی

۱ - المغنی والشرح الکبیر ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ .

۲ - المغنی ، ص ۴۲۰ .

۳ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ .

۴ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ .

المؤذن : الصلاه خیر من النوم ، فأمر عمر أن یجعلها فی نداء الصبح . (۱) چنانکه در این روایت به صراحت بیان شده است سخن الصلاه خیر من النوم چیزی بوده است که به امر عمر اضافه شده است ، بدین جهت ربطی به اذان ندارد . لهذا محمد بن الحسن الشیبانی در خاتمه باب الاذان والتثویب از موطأ تصریح می کند الصلاه خیر من النوم ربطی به نداء یعنی اذان ندارد . نص عبارت چنین است : قال محمد : الصلاه خیر من النوم یکون ذلک فی نداء الصبح بعد الفراغ من النداء ولا یجب أن یزاد فی النداء ما لم یکن منه . (۲) سیوطی در تنویر الحوالک در تبیین سند این حدیث چنین می گوید : الاثر الذی ذکره مالک عن عمر اخرجه الدارقطنی فی سننه من طریق وکیع فی مصنفه عن العمری عن نافع عن ابن عمر عن عمر . وعن سفیان عن محمد بن عجلان عن نافع عن ابن عمر عن عمر أنه قال لمؤذنه : إذا بلغت حی علی الفلاح فی الفجر فقل : الصلاه خبر من النوم ، الصلاه خیر من النوم . (۳) زرقانی نیز در تعلیقه همین مطلب را نقل می کند . (۴) رجال هر دو سند دارای توثیقهای معتبر از طریق رجالیون بزرگ

اهل تسـنن می باشـند ودر مجموع جای هیچگونه خدشه ای در سـند از طرف علمای اهل تسنن نمی باشد . (۵) ۲ - شوکانی درباره الصـلاه خیر من النوم از البحر الزخار چنین نقل می کنـد : أحدثه عمر ; فقال ابنه : هذه بدعه . وعن علی (علیه السـلام) حین سـمعه : لاتزیـدوا فی الاذان ما لیس منه ، ثم قال بعـد ذکر حدیث ابی محذوره وبلال قلنا : لوکان لما انکره علی وابن عمر وطاوس ; سلمنا فامرنا به اشعارا به فی حال لا شرعا ، جمعا بین الاثار . (۱)

پاورقی

۱ - الموطأ ، ص ۵۵ ، ط دوم ، تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف .

۲ - الموطأ ، ص ۵۵ ط دوم تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف .

۳ - تنویر الحوالک ج ۱ ، ص ۹۳ .

۴ - التعلیقه ، ج ۱ ، ص ۲۵ به نقل از النص والاجتهاد .

۵ - درباره احوال هر یک رجوع شود به تهذیب التهذیب .

۳ - مـا روی عن ابی حنیفه کمـا فی جـامع المسانیـد عنه عن حمـاد عن ابراهیم قـال : سألته عن التثویب ؟ فقال : هو مما أحـدثه النـاس وهو حسن ، ممـا أحـدثوه . وذکر أن تثویبهم کان حین یفرغ المؤذن من اذانه : إن الصـلاه خیر من النوم - مرتین - قال : اخرجه الامام محمد بن الحسن (الشیبانی) فی الاثار فرواه عن أبی حنیفه ثم قال محمد : وهو قول ابی حنیفه - رضی الله عنه - وبه نأخذ . (۲) ۴ - عن ابن عینیه عن لیث عن مجاهد

قال : کنت مع ابن عمر فسمع رجلا يثوب فی المسجد فقال : اخرج بنا من (عند) هذا المبتدع . (۳) البته ابوداود قضيه را از مجاهد نسبت به نماز ظهر يا عصر نقل می کند . (۴)

۵ - عن ابن جريج اخبرنی عمرو بن حفص : أن سعدا (المؤذن) اول من قال : الصلاه خير من النوم فی خلافه عمر فقال عمر : بدعه . ثم ترکه وأن بلابلا لم يؤذن لعمر . (۵)

۶ - عن ابن جريح اخبرنی حسن بن مسلم أن رجلا سأل طاوسا : متی قيل : الصلاه خير من النوم ؟ فقال : اما أنها لم تقل علی عهد رسول الله صلی الله عليه وآله وسلم و لکن بلابلا سمعها فی زمان ابی بکر بعد وفاه رسول الله يقولها رجل غير مؤذن ، فأخذها منه ، فأذن بها علم يمکث ابوبکر الا قليلا حتی اذا کان عمر قال : لو نهينا بلابلا عن هذا الذی احدث وکأنه نسيه ، وأذن بها الناس حتی اليوم . (۶) اين دو روايت گرچه در بخشی از مضمون خود با دو روايت اول ودوم اختلاف دارد

قسمت سوم

پاورقی

۱ - نيل الاوطار ج ۲ ص ۴۳ .

۲ - جامع المسانيد ، ج ۱ ، ص ۲۹۶ ، به نقل از الاعتصام .

۳ - المصنف ، ج ۱ ، ص ۴۷۵ .

۴ - سنن ابی داود ، ج ۱ ، ص ۱۴۸ . ۵ و ۳ - کنزالعمال ، ج ۸ ، ص ۳۵۷ ، ش ۲۳۲۵۲ و ۲۳۲۵۱ .

اما در اصل مطلب که

تثویب وسخن الصلاه خیر من النوم بعد از رسول اکرم ابداع شده است مشترک می باشند . وبه هر حال در اثبات مطلب روایت مالک با سندهای دارقطنی وعلاوه شهادت فقهاء معروف وبزرگ اهل تسنن کفایت می کند . واما روایاتی که به آنها تمسک شده است در اثبات الصلاه خیر من النوم سندهای همه آنها مورد خدشه قرار گرفته است . عمده روایتی که قائلین به تثویب به آن تمسک کرده اند روایت ابوداود ونسائی از ابی محذوره است چنانکه در المغنی (۱) والشرح الکبیر (۲) والمجموع (۳) وغیر اینها آمده است . ودر سنن نسائی روایت چنین است : اخبرنا سوید بن نصر قال : انبأنا عبد الله ، عن سفیان عن ابی جعفر عن ابی سلمان عن أبی محذوره قال : کنت أؤذن لرسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وکنت اقول فی اذان الفجر . حی علی الفلاح ، الصلاه خیر من النوم ، الصلاه خیر من النوم ، الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله . (۴) وفی سنن البیهقی : وروینا عن سفیان الثوری عن ابی جعفر عن ابی سلیمان عن ابی محذوره فجاء ابوسلیمان بدل ابی سلمان ، ثم قال البیهقی : وابوسلیمان اسمه همام المؤذن . (۵) در این سند ابوسلمان یا ابی سلیمان که اسمش همام مؤذن است واقع شده واو شخصی مجهول است وهمه آنچه که ابن حجر درباره او آورده ، اینچنین است :

پاورقی

۱ - المغنی ، ج ۱ ، ص ۴۲۰ .

۲ - المغنی والشرح الکبیر ، ج ۱ ،

ص ۳۹۹ .

۳ - المجموع ، ج ۳، ص ۹۹ .

۴ - سنن النسائی ، ج ۲ ، ص ۱۳ ، باب التثویب فی الاذان ; نسائی با سند دیگری هم روایت را نقل می کند که باز به سفیان منتهی می شود .

۵ - السنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۲۲ .

صفحه ۲۰

ابوسلمان المؤذن قیل اسمه همام . روی عن علی وابی محذوره وعنه ابوجعفر الفراء والعلاء بن صالح الکوفی . (۱) علاوه برخی معتقدند که ابوجعفر مذکور در سند نیز شخص مجهولی است نه ابوجعفر الفراء . چنانکه این مطلب را خود نسائی در سنن متذکر شده است . واما روایات ابوداود :

۱ - حدثنا مسدد ثنا الحرث بن عبید عن محمد بن عبد الملک بن ابی محذوره عن ابیه عن جده قال : قلت : یا رسول الله علمنی سنه الاذان ، فذکر ، الی ان قال بعد قوله حی علی الفلاح : فان کان صلاه الصبح قلت : الصلاه خیر من النوم ، الصلاه خیر من النوم ، الله اکبر ، الله اکبر ، لا اله الا الله (۲) . در این سند محمد بن عبد الملک واقع شده است که ابن حجر در باره او می گوید : قال ابن القطان : مجهول الحال لا نعلم روی عنه الا الحارث . ونیز ابن حجر از عبدالحق پس از ذکر روایت ثوری وحارث بن عبید از محمد بن عبد الملک نقل می کند که : لایحتج بهذالاسناد . (۳) کما اینکه حارث بن عبید نیز مورد مناقشه است . (۴)

۲ -

حدثنا الحسن بن علی ثنا ابوعاصم و عبد الرزاق عن ابن جریح قال : اخبرنی عثمان بن السائب ، اخبرنی ابی وام عبد الملک بن ابی محذوره عن ابی محذوره عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم نحو هذا الخبر ، وفیه : الصلاه خیر من النوم ، الصلاه خیر من النوم فی الاولی من الصبح . (۵) در این روایت نیز عثمان بن سائب وپدرش واقع شده اند که شناخته شده نیستند وجز این روایت ، روایت دیگری ندارند . (۱) ونیز ام عبد الملک .

پاورقی

۱ - تهذیب التهذیب ج ۱۲ ، ص ۱۱۴ .

۲ - سنن ابی داود ، ج ۱ ، ص ۱۳۶ .

۳ - تهذیب التهذیب ، ج ۹ ، ص ۳۱۷ .

۴ - تهذیب التهذیب ، ج ۲ ، ص ۱۴۹ .

۵ - سنن ابی داود ، ج ۱ ، ص ۱۳۶ .

صفحه ۲۱

۳ - حدثنا النفیلی ، ثنا ابراهیم بن اسماعیل بن عبد الملک بن ابی محذوره ، قال : سمعت جدی عبد الملک بن ابی محذوره . . . قال : وکان یقول فی الفجر : الصلاه خیر من النوم . (۲) در این سند نیز ابراهیم بن اسماعیل بن عبد الملک قرار دارد که صریحا مورد تضعیف قرار گرفته است . (۳)

وانگهی فرضا اگر کسی اسناد روایات را ضعیف ندانست شکی نیست که باز هم نمی تواند به این روایات عمل کند ، زیرا این روایات معارض است به روایاتی که می گفت : الصلاه خیر من النوم از فقراتی است که بعد از حضرت رسول (صلی الله

علیه وآله وسلم) به استحسان مردم به اذان اضافه شده است ، ودر بین آنها روایت صحیح نیز وجود داشت ; ودر نتیجه معارضه ، هر دو دسته از روایات از حجیت ساقط می شود . وبنابراین دلیلی بر ثبوت تثویب در اذان یا استحباب آن در خارج از اذان نیست . تنبیه در آخر مبحث برای روشن شدن مطلب درباره شهادت به ولایت أمیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) سخن محققانه ای را که شرف الدین در النص والاجتهاد آورده است : می آورم : اذان نزد ما امامیه هیجده فصل است : الله اکبر چهار دفعه ، أشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان محمدا رسول الله ، حی علی الصلاه ، حی علی الفلاح ، حی علی خیر العمل ، الله اکبر ، لا اله الا الله ، هر کدام دو دفعه . وفصول اقامه هفده تا است که همان فصول اذان می باشد که هر کدام دو مرتبه ذکر می شود مگر لا اله الا الله که یک دفعه ذکر می شود ، وزیاد کرده می شود بعد از حیعلات سه گانه قبل از تکبیر دو مرتبه قد قامت الصلاه . ومستحب است درود بر محمد وآل محمد بعد از نام حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) ، همچنانکه مستحب است اکمال شهادتین به شهادت به ولایت وامیری مؤمنان برای علی (علیه السلام) در اذان واقامه . واشتباه کرده وسخنی شاذ گفته هر کس آن را تحریم کرده ، وآن را بدعت شمرده است . مؤذنان در اسلام معمولا کلمه ای مقدم

بر اذان ذکر نموده وبه آن می پیوندنـد مثل : (وقل الحمدلله الذی لم یتخذ ولدا . . .) تا آخر آیه یا نظیر آن ، وملحق می کنند سخنی به اذان که به دنبال آن می آورند مثل (الصـلاه والسلام علیك یا رسول الله) ویا نظیر آن . ومثل اینها از شارع در مورد اذان مـأثور نیست واینهـا بـدعت نمی باشـد وقطعا حرام نیست ، به خاطر اینکه ، مؤذنین اینها را از فصول اذان نمی داننـد وفقط آنها را بر اساس ادله عامه می آورند ; و اینچنین است شهادت برای علی (علیه السلام) بعد از شهادتین در اذان ، که بر اساس دلیـل عـام آن می باشـد . وانگهی ، سـخن کوتـاه از کلاـم آدمی موجب بطلان اذان واقامه نمی شود . وگفتن آن در اثناء اذان واقـامه حرام نیست . . . (۱) وخلاـصه با توجه به آنکه ذکر علی (علیه السـلام) عبادت است جای هیـچ شـبهه ای در رجحان ذکر حضرت مطلقا واز آن جمله در اثناء اذان واقامه باقی نمی ماند . متقی هندی در کنزالعمال ، ج ۱۱ ، ص ۶۰۱ ، ش ۳۲۸۹۴ ، چنین روایت می کند : ذکر علی عباده والحمدلله رب العالمین

پاورقی

۱ - تهذیب التهذیب : ج ۷ ص ۱۱۷ وج ۳ ، ص ۴۵۱ وج ۱۲ ، ص ۴۸۳ .

۲ - سنن ابی داود ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ .

۳ - تهذیب التهذیب ، ج ۱ ، ص ۱۰۵ .

پاورقی

۱ - النص والاجتهاد ، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹